

منبع‌شناسی اشعار داستان‌های هزارویک شب

عبدالغنی



نinth ماه پس

www.ketab.ir

فهرست

۵	دیباچه
۹	مقدمه
۹	چند نکته پیرامون این اشعار
۱۰	تأثیر شاعری شاعران این اشعار و بررسی انواع ادبی فوق
۱۴	نکاتی چند درمورد اشعار بداهه سرودش
۱۵	چگونگی استفاده از منابع و مآخذ و نسخه مورد نظر
۱۷	اشعار بداهه سرودش در دایره‌های هزارویک شب
۲۵	شناخت شاعران اشعار هزارویک شب
۳۲۱	منابع

دیباچه

مد از ترجمه لطیف و هنرمندانه هزارویک شب به قلم عبداللطیف طسوجی که در پی آن تمجید و تحسین خوانندگان و تذکره‌نویسان و نقادان جدید و قدیم را برانگیخت، آنچه ذاتاً فهمیم خواننده با ذوق ادبیات غنی زبان فارسی را به چالش می‌کشید، سروهای بیابا، سربط و پرمغز محمدعلی سروش اصفهانی بود که به پختگی و جذابیت داستان‌های تباری دو چندان می‌بخشد. از این رو همواره در تذکره‌ها و تاریخ ادبیات ما، هرگز در رصیف ترجمه هزارویک شب و ویژگی‌های این شاهکار ادبی سخن به میان می‌آید، نام این شخصیت در کنار هم اجتناب‌ناپذیر است. در جایی که اوج پیوند نظم و نثر در ترجمه متنی عربی تبلور می‌یابد.

پس از گذشت بیش از یک قرن، تحقیقات گسترده‌ای در پیرامون هزارویک شب و به دنبال آن مقالات و تألیفات بسیاری قلمی شد. هر یک از این آثار ارزشمند به روشن شدن گوشه‌ای از زوایای تاریک این اثر کمک کرده و شناخت و درک بهتری به خواننده با فراست فارسی زبان بخشیده، اما هرگاه سخن از اسرار سرشار در ذیل این داستان به میان می‌آید، توصیفاتی توأم با شک و تردید همراه بوده، جایی که ادبای گرانقدر ما به شناخت و شناسایی این اشعار پرداخته و در میانه راه، کار را عقیم گذاشته‌اند. از جمله جلال آل احمد که در نامه‌ای به حبیب یغمایی می‌نویسد:

«قرار بود درباره هزارویک شب و ریشه‌های هنری و ایرانی قصه‌هایش چیزی درست کنم به اسم رساله که نشد. یعنی آن بیماری شفا یافت اما شیشه‌های دوا دست‌نخورده

باقی‌مانده، یکیش همین ترجمه که می‌بینید. گفتم شاید به درد دیگران بخورد و با اینکه کمتر از این کارها می‌کنم همچو روغنی نذر آن امام زاده‌اش می‌کنم.» (از نامه‌های جلال آل احمد به حبیب یغمایی مدیر مجله یغما این نامه و ترجمه چهل طوطی کار مشترک جلال و همسرش سیمین دانشور در دوره ۱۸ مجله یغما، سال ۱۳۴۴ منتشر شده است).

رحوم جلال آل احمد در خصوص اشعار سروش نیز کارهایی صورت داده که در بخش نخستین به مقایسه آن با اثر حاضر پرداخته شده است و اینکه تنها چند بیت از آن را شناسایی کرده‌اند، هم توأم با حدس و گمان، و کار را در ابتدای آن رها کرده و به گفته خویش نفاذ یافته است.

چاپ دیوان سروش مقدمه تصحیح و به اهتمام حسین کی استوان کار دیگری است که به گفته آقای جمشید مظفری که در مقاله ای ذیل مدخل سروش اصفهانی آمده، ادعایی کرده‌اند که به نظر می‌رسد به و اساس درستی ندارد:

«سروش در هنگام همکاری با طسوجی، در حدود سی سال داشته و در این سن احاطه او به متون شعری قدیم فارسی و نیز ذوق عالی او در انتخاب و سرودن ابیات مناسب مایه شگفتی است. حسین کی استوان با بررسی در متون شعری قدیم، اشعار دیگران را از ابیات سروش در هزارویک شب باز شناخته است.» (معاد، ۱۳۸۸: ص ۶۴۵)

محمدجعفر محجوب در مقاله ای تحت عنوان ترجمه فارسی «الک ابنه ولبه» (مجله سخن سال یازدهم شماره ۶) ضمن بررسی کامل مختصات نثر و نظم ترجمه طسوجی در انتهای مقاله ضمن اظهار امیدواری به بررسی اشعار سروش در خلال این کتاب خط بطلانی بر ادعای آقا جمشید مظفری مبنی بر تفکیک اشعار سروش از دیگر شاعران توسط حسین کی استوان می‌کشد (متوفی ۱۳۴۸) در ادامه مقاله نظر محجوب (متوفی ۱۳۷۴) در این باره به شرح زیر است:

«در این کتاب دلپسند و خاصه ترجمه فارسی آن باز هم مجال تحقیق بسیار است. هنوز برای این کتاب فهرست‌های کسان و جای‌ها و قبیله‌ها و دیگر فهرست‌ها تنظیم نشده است و مترجم به ملاحظات دینی و دیگر مسائل در بسیاری مطالب کتاب تصرف کرده است. نام شاعرانی که شعرهای آنان در این کتاب آمده است، و تعداد شعرهایی که هر یک در این کتاب راه یافته است به درستی روشن نیست و نمی‌دانیم سروش برای این کتاب خود چند بیت سروده است.

کاس این مقاله ناقص و کوتاه در این زمینه فتح بابی باشد و صاحب همتی را در کار آورد تا گره از این کار فرو بسته بگشاید و به نیروی همت و پشت کار دشوارهای آن را میان بردارد و این متن دلاویز را که یکی از میراث‌های گرانبهای نیاکان ماست و ایرانیان را پدید آورده و آراستن آن سهمی بسزا دارند به صورتی آبرومند و روشن و دقیق را ابل استفاده و دسترس ارباب فضل و طالبان ادب فارسی بگذارد.» (محبوب، ۱۳۳۸: ۵۳)

امید است که با پایان گزین این آثار تاریکی از دریغ‌ناکی استاد محمدجعفر محبوب تحقق یابد! ان شاء الله!

در پایان می‌بایستی از لطف و توجه دوستان عزیز و یار شفیقم جناب آقای بدرکوهی که در تمام مراحل این تحقیق و چاپ آن در کنار بنده حضوری صمیمی و مهربانانه داشت کمال تقدیر و تشکر را داشته باشم. امید است که صنعت چاپ و نشر از حضور پربرکت ایشان و تجارب ارزنده ایشان در این حور بهره‌مند شود.